



هالیوود

«اشباح هیروشیما»

فیلم تازه جیمز کامرون

جیمز کامرون حقوق کتساب بعدی چارلز پلگرینسو با عنوان «اشباح هیروشیما» را خرید. این کتاب توسط انتشارات بلک استون در آگوست ۲۰۲۵ و در هشتادمین سالگرد بمباران اتمی هیروشیما در سال ۱۹۴۵ منتشر خواهد شد.

کامرون قصد دارد کتاب «اشباح هیروشیما» و کتاب «آخرین قطار از هیروشیما»ی پلگرینو را که سال ۲۰۱۵ منتشر شده، در یک فیلم ترکیب و اقتباس کند و هر وقت تولید «اوتار» اجازه داد، فیلمبرداری آن را شروع کند. عنوان این فیلم «آخرین قطار از هیروشیما» خواهد بود. این فیلم داستان واقعی یک مرد ژاپنی را در طول جنگ جهانی دوم تصویر خواهد کرد که از آلمباران اتمی جان سالم به در برده است. وی پس از اینکه از انفجار هیروشیما جان سالم به در برد با قطار به ناگاساکی رفت و در آنجا گرفتار انفجار دیگری شد.

پلگرینو هم در «اواتار» و هم در «تایتانیک» مشاور علمی کامرون بود و کامرون بیش از ۲۰ سال است که علاقه‌مند به نمایش این ماجرا روی پرده بزرگ بوده است.

این پروژه نخستین پروژه غیر اوتاری کامرون از سال ۱۹۹۷ است که «تایتانیک» را اکران کرد. «تابود گر»، «بیگانه‌ها»، «ورطه»، «تابود گر ۲: روز داوری» و «دروغ‌های حقیقی» از دیگر فیلم‌های این کارگردان برنده اسکار است.

کامرون: باید این فیلم را بسازم

جیمز کامرون درباره پروژه تازه‌اش به ددلاین گفت: این موضوعی است که می‌خواستم درباره آن فیلم بسازم و با نحوه ساخت فیلم در این سال‌ها در کلنجر بودم. من با تسو تومو تو یاماگوچی که بازمانده بمباران هیروشیما و ناگاساکی است، ملاقاتی داشتم. درست چند روز پیش از مرگ یاماگوچی او را دیدم. در بیمارستان بودی، او مسئولیت روایت داستان زندگی شخصی خود را بسر دوش ما گذاشت. من باید فیلم را بسازم. نمی‌توانم چشم از حادثه بردارم.

پلان

رقابت ۲ شرکت بزرگ نوشابه‌سازی، سوژه فیلم تازه اسپیلبرگ

درامی اجتماعی با نام «جنگ‌های کولا» به تهیه‌کنندگی استیون اسپیلبرگ جلوی دوربین می‌رود. همانطور که از نام فیلم پیداست، خط اصلی داستان آن درباره رقابت‌ها و جنگ‌های ۲ شرکت بزرگ نوشابه‌سازی است.

در آدهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، ۲ شرکت نوشابه‌سازی کوکاکولا و پپسی کولا در رقابتی سخت و تنگاتنگ تلاش داشتند بازار نوشیدنی را در اختیار و سلطه خود بگیرند.

این درگیری و تنش در اواسط دهه ۸۰ به اوج رسید و جنگال‌های رسانه‌ای و عمومی فراوانی با خود به همراه داشت. فیلمنامه «جنگ‌های کولا» را تیم دوفنره جیسن شومان و بن کوئین می‌نویسند، که دومی به‌دلیل فیلمنامه‌های انیمیشن «ماشین‌ها» (۲ و ۳) شهرت زیادی دارد.

در فیلمنامه در این باره بحث می‌شود که چگونه مدیران شرکت پپسی تلاش کردند شرکت کوکاکولا را از صدرنشینی در بازار تولید و فروش نوشابه‌های خانوادگی به پایین بکشند. نبرد این ۲ شرکت بزرگ تجاری را آنجا پیش رفت که پای تعدادی از ستارگان سرشناس عالم هنر را به تبلیغات تلویزیونی و روزنامه‌ای این شرکت‌ها باز کرد. در همان ایام شرکت مایکل جکسون در یکی از این تبلیغات تلویزیونی با جنگال بسیار زیادی همراه شد.

تولید «جنگ‌های کولا» در مراحل اولیه قرار دارد و هنوز معلوم نیست چگونه کاراکترهایی در دل خود خواهد داشت، ولی در حالی‌که هنوز زمانی برای شروع فیلمبرداری تعیین نشده، انتخاب بازیگران شروع شده است. منابع نزدیک به سازندگان فیلم گفته‌اند که قرار نیست از وجود ستارگان معروف و سرشناس در نقش‌های اصلی آن استفاده شود. رسانه‌های گروهی با اشاره به حضور ۲ هنرمند برجسته و معروف هالیوودی در پشت دوربین فیلم، اینگونه اظهارنظر می‌کنند که منتقدان و تماشاگران سینما باید منتظر یک حادثه مهم و هیجان‌انگیز سینمایی در این باره باشند. این در حالی‌است که از زمان شروع تبلیغ درباره تولید «جنگ‌های کولا»، بسیاری در صنعت سینمای آمریکا نسبت به آن از خود هیجان زیادی نشان داده‌اند و گفته می‌شود بسیاری از اهالی هنر در این باره هیجان زده شده‌اند.



استودیوهای هالیوود مثل کارخانه نوشابه سازی شده اند

فرانسیس فورد کاپولا: کاری که امروز استودیوهای هالیوود انجام می‌دهند، شبیه تولید کوکاکولاست. آنها می‌دانند که فرصت خوبی برای کسب درآمد دارند، به شرطی که طعم محصولاتشان ثابت بماند. اما هنر در ذاتش آشفته است. / تلگراف

آدم‌های طبقه پایین را می‌شناسم

گفت‌وگو با حسین نمازی، کارگردان فیلم «شه‌سوار»



حسین نمازی، کارگردان «شه‌سوار»، در فیلم آخرش داستان مرگی را بازگو می‌کند که در صورت اطلاع بقیه از آن، باعث به هم خوردن یک عروسی می‌شود و به همین دلیل اعضای خانواده قصد دارند این مرگ را پنهان کنند



چرا؟ چون هر آنچه را می‌خواسته به‌دست آورده. با دیگر آرزوهایش اینقدر بزرگ می‌شود که دیگر دست‌نیافتنی می‌شوند. یا در طبقه متوسط نگاه، چشم و هم‌چشمی وجود دارد. طرف خانه و زندگی دارد، ولی درگیر این است که چرا ویلا ندارد، چرا افلان ماشین را ندارد. در طبقه متوسط به بالا سیرانی نیست، به‌خاطر سبک زندگی مادر چنددهه اخیر. ولی خوشحالی طبقه پایین شدنی‌تر است.

و نیازهای اولیه زندگی محروم است، با کوچک‌ترین چیزی شاد می‌شود.

بله. به همین دلیل نمی‌گویم این در سست است یا غلط. با توجه به شرایط زندگی‌اش، با چیزی کوچک خیلی سریع خوشحال می‌شود. امید به زندگی در این طبقه بیشتر است. نگاهی که به طبقه در این ۲ فیلم تان دارید، حاصل تجربه شخصی و زندگی خودتان است یا نه، صرفاً پرداختن به این آدم‌ها برای تان مهم است؟

من هیچ‌وقت بی‌پولی‌ای شبیه شخصیت فیلم‌هایم نکشیده‌ام. خانواده‌ایم یک خانواده متوسط بود که در بحث روزمره مشکلی نداشتیم، ولی حالا از روزهایی بود که گاه برآورده می‌شد و گاه نمی‌شد. ولی در مدرسه و بین دوستانم خیلی آدم‌های این شکلی می‌شناختم. مثلاً بین دوستانم کسی بود که در زمستان گاشی به پا می‌کرد که پشت پاشنه‌اش پاره شده بود و بابت دوخته بودند و معمولاً هم جوراب نداشت و با همان گاشی فوتیل بازی می‌کرد و مهمانی می‌رفت. آدمی می‌شناختم که آنقدر بر روز تخم مرغ می‌خورد، چون چیز دیگری نداشتند، کبدش داغان شده بود و صورتش پر جوش بود. آدمی در مدرسه دیدم و همین الانش هم می‌بینم. من در کرج زندگی می‌کنم، شهری که فاصله محله مرفاش یا محله‌ای که رفاه اقتصادی ندارد، یک خیابان و یک بلوار است.

من اتفاقاً تمام کارهایم مثل آرایشگاه رفتن و خرید را در همین محله‌های پایین انجام می‌دهم. صبح بلند می‌شوم با موتور می‌روم در این محله‌ها می‌گردم و با آدم‌های دوستی و رفافت می‌کنم. عموماً هم نمی‌دانند که من فیلمسازم. من در قهوه‌خانه‌هایی می‌روم دیزی و املت می‌خورم که کارگرا می‌آیند. لذتی که از آنجا نفیستن و خوراک خوردن می‌برم، هیچ‌وقت یک رستوران گران به من نمی‌دهد. شاید این به سبک زندگی من برمی‌گردد که از اول از تجملات خوشم نمی‌آمده. کلاً این آدم‌ها را خیلی خوب می‌شناسم، تکیه کلام‌ها و لباس پوشیدن‌شان را. خیلی وقت‌ها لباس‌های‌شان را می‌خرم و در آرشیوم نگه می‌دارم تا جایی استفاده کنم. به هر حال این هم علاقه‌مندی من است. فکر می‌کنم اگر بخوام فیلم بسازم، حالا حالا‌ها در این طبقه کار دارم.



من تمام کارهایم مثل آرایشگاه رفتن و خرید را در همین محله‌های پایین انجام می‌دهم. صبح بلند می‌شوم با موتور می‌روم در این محله‌ها می‌گردم و با آدم‌های دوستی و رفافت می‌کنم. عموماً هم نمی‌دانند که من فیلمسازم.

من در قهوه‌خانه‌هایی می‌روم دیزی و املت می‌خورم که کارگرا می‌آیند. لذتی که از آنجا نفیستن و خوراک خوردن می‌برم، هیچ‌وقت یک رستوران گران به من نمی‌دهد



عموماً فکر می‌کنیم مرگ قسمت تلخ زندگی است، ولی من همیشه این سؤال را از خودم می‌پرسم: اتفاقاً از کجا معلوم که قسمت شیرین زندگی نباشد. وقتی قرار است با آن مواجه شویم، حداقل دوست دارم در آثار خودم خیلی مواجهه راحت و سادگی داشته باشم

بدون تلویزیون نمی‌توانم زندگی کنم

محمدرضا حیات، کوبنده قدیمی اخبار تلویزیون: بسیاری از مردم در کوچه و خیابان از من در این باره سؤال می‌کنند که آیا دوباره با این رسانه همکاری می‌کنم یا خیر. تلویزیون خانه من است و هر موقع برنامه داشته باشم، با عشق و علاقه انجام می‌دهم. تلویزیون افتخار من است و طبعاً بدون آن نمی‌توانم زندگی کنم.

کوتاه‌تر از گزارش

«استاد» روی پرده می‌آید

فیلمی درباره جریانات «می‌تو» و افشاگری علیه آزارگری در سینما



فیلم سینمایی «استاد» به کارگردانی عماد حسینی با یک سوژه بحث‌برانگیز اکران می‌شود. «استاد» به کارگردانی عماد حسینی و تهیه‌کنندگی بهروز افخمی از یازدهم مهر روی پرده خواهد رفت.

حسینی است که پیش از این فیلم «تهران، خانی‌آباد، ۱۳۶۶» را ساخته و جوایزی هم برای آن دریافت کرده است. نکته دیگر «استاد» این است که محمدحسین مهدویان به‌عنوان مشاور کارگردان در این فیلم در کنار حسینی حضور داشته است.

داستان از چه قرار است؟

فیلمنامه «استاد» نوشته پیام لاریان و عماد حسینی و برداشتی از نمایشنامه اولئانا نوشته دیوید ممت است. این فیلم با توجه به جریانات «می‌تو» و افشاگری علیه آزارهای جنسی در سینما که از ۲ سال پیش در ایران رقم خورده، با فضای کشور همخوانی دارد. فیلم داستان تجاوز یک استاد نقاشی به شاگردانش است: گلنوش برای مهاجرت و ادامه تحصیل به توصیه‌نامه استاد درس که معمار و نقاش مشهوری است نیاز دارد، اما ماجراهای برای او و استادش پیش می‌آید که شرایط را پیچیده می‌کند.

بازیگران چه کسانی هستند؟

در این فیلم حسن معجونی، سجاد بابایی، هدیبه حسینی‌نژاد، حوریه مقدم و مهدی ابوحمزه حضور دارند. سجاد بابایی برای این فیلم در جشنواره فیلم سال گذشته جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل را به‌دست آورده و حسن معجونی در نقشی کاملاً متفاوت ظاهر شده است.

عوامل فیلم درباره آنچه گفته‌اند؟

عماد حسینی، کارگردان استاد را نخست خبری جشنواره فیلم سال گذشته گفته است: «مخاطب باید از فیلم مفهوم خاص خود را داشته باشد، اما موضوع فیلم یک موضوع جهانی است که شامل مواجهه قدرت با زنان است و این مسئله طی یک سال گذشته در کشور ما شنیده می‌شود و من فکر کردم که این موضوع را می‌توان با سینما به جامعه گوشزد کرد. مگر چند فیلم درباره تجاوز در ایران ساخته شده است، این در حالی‌است که در کشورهای دیگر درباره این مسئله فیلم‌های زیادی ساخته شده است.» او گفته که سعی کرده در این فیلم واقعیت شخصیت‌ها را نشان دهد و اعتقاد دارد فیلم موضع خاص خود را نسبت به موضوع تعرض دارد. حسینی گفته است: «طی سال‌های گذشته از این استادها در کشور ما زیاد شده است، حتی به من گفته بودند که این فیلم را نسازم و بسیاری از افراد در سینما تلاش می‌کردند من را ضعیف از انصاف از ساخت فیلم شوم.»

هدیه حسینی‌نژاد که نقش گلنوش را در فیلم بازی می‌کند هم گفته است: «فکر می‌کنم کمتر خانی‌است که یک‌بار از کنار چنین شرایطی رد نشده است. برای من هم موارد مشابهی رخ داده بود که تصمیم گرفتم این فیلم را بازی کنم و بازیکنی در این فیلم برای من بسیار چالش‌برانگیز بود و فکر می‌کنم که آنقدر که من در این فیلم متأثر شدم مردان به‌دلیل درک متفاوت متأثر نشده باشند.» سجاد بابایی هم درباره نقشی که بازی کرده و برایش جایزه گرفته اینطور توضیح داده است: «کاراکتر من در فیلم عصبی یا در لبه تیز غیرت قرار گرفته است. کاراکتر برای من نوعی تک‌روی داشت که درگیر تصمیم‌گیری لحظه‌ای می‌شود.»

سینمای جهان

فصل چهارم «احضار» کلید خورد

فیلمبرداری چهارمین و آخرین قسمت از سری فیلم‌های ترسناک «احضار» با عنوان کامل «احضار: آخرین مراسم» در انگلستان کلید خورد.به گزارش ایسنا، جانیسون مک‌گلدریک نگارش فیلمنامه «احضار» را برعهده دارد. جیمز وان و پیتر سفرن همچون ۳ قسمت قبلی، تهیه‌کنندگی دنباله جدید این فیلم سینمایی ژانر وحشت را برعهده دارند.

مک‌گلدریک پیش از این فیلمنامه «احضار ۲» و «احضار: شیطان مرا وادار کرد» را نوشته که فیلم دوم در سال ۲۰۲۱ در رتبه اول گیشه قرار گرفت و مجموعه فروش این سری فیلم را به بیش از ۲میلیارد دلار در سراسر جهان رساند. فیلم‌های «احضار» بر اساس پرونده‌های واقعی زندگی محققین ماوراءالطبیعه، «د وارن» و «ولورین وارن» ساخته شده‌اند، اگرچه پرونده دقیق که منبع الهام ساخت قسمت جدید شده محرمانه نگه داشته شده است.

به گزارش اسکرین، باتریک ویلسون و ورا فارمیگا در ۳ فیلم قبلی و همچنین در «نایل به خانه می‌آید» نقش وارن‌ها را بازی کرده‌اند و در قسمت جدید نیز نقش‌های خود را تکرار می‌کنند. قسمت اول از فیلم‌های «احضار» در تابستان ۲۰۱۳ به‌عنوان یک تاکتیک ضدپیرنامه در برابر فیلم‌های مهم روی پرده اکران شد. این حرکت کارساز بود، زیرا در نهایت این فیلم به درآمد ۳۲۰میلیون دلاری در سراسر جهان در برابر بودجه ۲۰میلیون دلاری تولید رسید و به یکی از سودآورترین فیلم‌های ترسناک تاریخ تبدیل و در ادامه آغازگر ساخت یک‌سری فیلم‌های سودآور شد.

شما هم در «شادروان» و هم در «شه‌سوار» به مقوله مرگ پرداخته‌اید. مرگ چقدر دغدغه ذهنی شماست؟

من فیلمی نمی‌سازم که بخوام در آن حرفی بزنم. این واقعیتی است قطعاً باورها و روایات هر کسی می‌ریزد در فیلمش. قصه‌ای من را درگیر می‌کند و آن قصه را می‌سازم. بحث مرگ هم دغدغه انجمنی من نیست که همیشه ذهنم را درگیر کند؛ منتهی احساس می‌کنم مرگ، بخشی از زندگی است و بالاخره دیر یا زود اتفاق می‌افتد و از کجا معلوم قسمت شیرین زندگی نباشد. عموماً فکر می‌کنم مرگ قسمت تلخ زندگی است، ولی من همیشه این سؤال را از خودم می‌پرسم اتفاقاً از کجا معلوم که قسمت شیرین زندگی نباشد. وقتی قرار است با آن مواجه شویم، حداقل دوست دارم در آثار خودم خیلی مواجهه راحت و سادگی با آن داشته باشم.

جداز آثار تان که طبیعتاً از نگاه شما نشأت گرفته، شخصاً هم آنقدر پذیرای مرگ هستید؟

بله. چون شخصاً ۳ بار تا لب مرگ رفته‌ام. به اجبار برایم قضیه‌ای پذیرفتنی شد که به هر حال با آن مواجه می‌شوی. دوست ندارم مرگ در سن بالا و مرگی معمولی باشد. دوست دارم مرگی باشد که به عده‌ای زندگی بدهد. مثلاً وقتی یک آتش‌نشان می‌میرد، کلی آدم زنده می‌ماند.

این نوع مرگ خیلی باشکوه است.

در واقع یک مرگ قهرمانانه را می‌پسندید
بله. چرا که نه. وقتی که قرار است بمیری،